



www.bazr1384.com

www.bazr1384.blogfa.com

Email: bazr1384@gmail.com

گشت و گذاری یک ماهه در تهران

از نامه های ارسالی برای نشریه دانشجویی بذر

* - اوضاع بسیار فشرده و خطرناک است. دستگیری ها و جنایت هایی که شده برخی را به سکوت و وحشت انداخته است. در عین حال فضایی است که انگار همه منتظر چیزی هستند تا دوباره به خیابان بیایند (این فلسفه و فرهنگ "انتظار" انگار چیزی درونی در این ملت شده است!). رژیم بی سابقه ترین تدارکات ایدئولوژیکی اش را در این دوره رمضان و بخصوص این سه شب "احیاء" انجام داده است. از هیچ خرافه و گنبدیگی ای کم نگذاشتند. در نماز جمعه ی دیروز برای نخستین بار طی این سالها، خامنه ای روضه خوانی را خودش کرد (واقعا روضه زینب و این حرفا را خواند - عین روضه خوان های ۵ ریالی قدیم - و زار زار گریه کرد) البته بنظر من این زاری بخاطر چیز دیگری بود و نه زینب. تمام کانال های تلویزیونی در این چند شب، ناله و زاری و اشاعه مزخرف و خرافه به عجیب ترین شکل هایش بود و البته در بسیاری مواقع با جهتی مشخص. حدیث ها و روایات و قصه های جن و پری و خرافه ها و غیره یکجوری نشانه ی اوضاع کنونی را داشت. در مساجد و هر جا امکانش را داشتند وضع همینطور بود. در حال يك تدارك گسترده برای دست زدن به جنایت های خیلی بزرگتر هستند.

* - چند روزی است که در خیابان های منطقه ۶ تهران که برای يك هفته است تحت طرح انضباط اجتماعی قرار دارد، گشت می زنم. يك حکومت نظامی واقعی و عریان برقرار است. یکی دو نوع از نیروهای انتظامی سر هر چهارراه و میدان مهم خیمه زده اند! با خودروهای کوچک و بزرگشان. برخی باتوم دارند و برخی سلاح گرم. دو به دو پیاده روها را گز می کنند و گاهی به جوانان عابر بند می کنند و کوله پشتی ها را می گردند. گاهی اوقات بساط دستفروشان را جمع می کنند. گاهی حال موتوری ها را می گیرند. گاهی هم تاکسی ها را بی نصیب نمی گذارند: حرکت کن! سریع راه بیفت! اینجا مسافر سوار نکن!

لباس شخصی ها در میدان ها و مشخصا حوالی دانشگاه تهران، بیشتر به چشم می آیند. اطلاعاتی ها حول و حوش بساط های روزنامه فروشی و کتابفروشی ها گوش ایستاده اند. بعضی هایشان دوربین های کوچک در دست دارند و به صورت راندوم از مردم فیلم یا عکس می گیرند.

اساس کار همه این نیروها، مرعوب کردن مردم معترض است. می خواهند هر طور شده فکر به میدان آمدن و اعتراض کردن و متحد شدن توده ها در خیابان را از سر مردم بیرون کنند. می خواهند اینرا جا بیندازند که هر مقاومتی محکوم به شکست است. می خواهند به جامعه حقه کنند که همه چیز تمام شد و بهتر است سرتان را پایین بیندازید و به سر کار و زندگی عادی خود برگردید. اما نگاه های خشمگین مردم و ناسزاهایی که زیر لب نثارشان می کنند گویای همه چیز است.

فرقی که آرایش نیروهای سرکوبگر و نحوه گشت زدنشان نسبت به قبل کرده اینست که حالا بخش هر چند کوچکی از افرادشان را با وانت های کوچک یا موتور در کوچه های فرعی هم مستقر کرده اند. دو نفر سوار بر موتور مسیر کوچه های باریک را طی می کنند تا به ساکنان محل هشدار دهند که دیگر دم منزل خودتان هم امنیت ندارید و هر کاری که دلتان خواست نمی توانید بکنید. البته باید تاکید کنم که این بخش از نیروهای سرکوبگر به شدت آسیب پذیر و تگ افتاده اند و به راحتی می توانند از میدان به در شوند.

شایعه تعطیل دانشگاه ها هر روز بیشتر قوت می گیرد. از همین حالا برای مقابله با روش های شناسایی و سرکوب رژیم باید فکری کرد. چه در جریان تظاهرات های خیابانی مثلا روز قدس، چه در صحن دانشگاه. یکی از کارهای فوری که می تواند (باید) انجام شود، پوشاندن صورت و شکستن لنز دوربین های مدار بسته بانک ها در پیاده رو و در راهروهای دانشگاه ها (یا پوشیدن رنگ با اسپری روی لنز) است.

در روزنامه اعتماد جعفری فرمانده سپاه پاسداران صحبت کرده که احتمال برنامه هایی از جانب گروه های برانداز در دانشگاه ها هست و باید آماده باشیم که مقابله کنیم و از تاریخ باید درس بگیریم که مشکلات بیشتری برایمان پیش نیاید. همینطور در این روزنامه به مسئله احتمال اینکه به بهانه آنفولانزای خوکی ممکن است دانشگاه را ببندند اشاره شده است.

* - در مورد روز قدس. فکر می کنم که فشار زیاد رژیم برای مرعوب کردن مردم و آرام نگهداشتن خیابان ها به دانشگاه ها مستقیما ربط دارد. اگر روز قدس، مقاومت و حضور جدی مردم در خیابان ها اتفاق بیفتد یعنی دانشگاه از همان روز اول منفجر خواهد شد. این یعنی ناگزیری تعطیل کردن مراکز آموزشی با همه تبعاتش برای رژیم. روز قدس می تواند به نمایشی از تناسب قوا میان دو جناح از یکسو و همچنین مردم با حکومت بدل شود. هر دو جناح سعی می کنند خود را وفادارتر از دیگری به این میراث خمینی نشان دهند. میراثی که ربطی به منافع مردم فلسطین نداشته و فقط موجب تقویت ارتجاع مذهبی در این جنبش عادلانه و عقب گردهای جدی در آن شده است. هم اکنون برخی با طرح شعار "نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران" می خواهند تمایز خود را در این تظاهرات با رژیم نشان دهند. این شعار نیز در ضدیت آشکار با همبستگی مردم منطقه قرار دارد و بیان ناسیونالیسم ارتجاعی است. علیرغم اینکه برگزاری روز قدس با پرچم هر یک از این جناحها ربطی به منافع مردم ندارد اما می تواند مانند دوره قبل روزنه و بهانه ای باشد برای به خیابان آمدن مردم. در چنین موقعیتی نیز نه تنها باید مردم را از دنباله روی از موسوی و کروبی و رفسنجانی بر حذر کرد بلکه در زمینه شعارهای دفاع از فلسطین نیز این مرز تمایزات را باید روشن طرح کرد و در میان مردم فراگیر کرد.

به نظرم يك شعار مرکزی برای روز قدس همان " مردم چرا نشستین ایران شده فلسطین" خواهد بود. ولی علاوه بر آن خوبست شعارهایی با مضامین زیر را تبلیغ کنیم:

غزه، تهران: شکنجه، زندان

شکنجه گر، دیکتاتور! مرگت فرا رسیده!

کشتار، تجاوز، دیگر اثر ندارد!

شکنجه اسلامی، کشتار اسرائیلی، فرقی با هم نداره!

نتانياهو، احمدی: برادران خونی!

* - چند روز پیش رفته بودم طرف میدان انقلاب سینما فیلم دل خون یا چیزی شبیه به آن را نشان می داد به جوانی که کنارم ایستاده بود گفتم همه چی بوی خون می دهد گفت آره همینطور است و شروع به درد دل کرد گفت دوستی دارد که بسیجی است و گفته در روزهای اول تظاهرات ها او را دیده و به او گفته که چرا مردم را سرکوب می کنی و طرف با رندی گفته که چرا نکنم دارم ماهی دو میلیون پول می گیرم و این در حالیست که من ماهی پانصد تومان باید اجاره بدهم و هشت ماه است که نداده ام! بسیجی گفته بود که تنها در چند روز اول جنبش بیش از هشت هزار نفر دستگیر شده اند.

*** - گزارشی از روز ۲۸ مرداد**

از ساعت ۱۷/۳۰ بعد از ظهر طبق معمول این چند وقت، هنگام برگشت از کار، از میدان هفت تیر شروع به حرکت به طرف ولیعصر کردم. اولین مسئله ای که جلب توجه می کرد حضور گسترده نیروهای انتظامی و ... بود. در مقابل، مردمی که در پیاده روها در حال

قدم زدن و یا برگشت از کار بودند با نگاه های خاص به هم گفتگو می کردند. همانطور که در حال حرکت بودم بین بعضی از عابران پیاده گفتگوهای کوتاه رد و بدل می شد. با کوچکترین صدا همه ی نگاه ها از دو طرف تخاصم به طرف صدا جلب می شد (آمادگی ذهنی برای درگیری). حول حوش پل کریم خان عده ای کارگر ساختمانی داشتند تیر آهن های ساختمانی را جابجا می کردند که زمان جابجائی صدایی شبیه به تیراندازی دارد (تو گویی آنها خودشان متوجه این موضوع بودند و عمدا تیر آهن ها را با شدت بیشتری جابجا می کردند). توجه همه در یک لحظه به طرف صدا جلب می شد. مانند گردن تماشاگرانی که در بازی تنیس با یک حرکت منظم به چپ و راست حرکت می کند.

به میدان ولیعصر نزدیک می شوم. دور تا دور میدان حضور نیروهای انتظامی قابل توجه است. عناصر اطلاعاتی را دو نفر دونفر با پیراهن های آستین بلند با رنگ آبی نفتی می بینی که با یک دوربین خودکاری در جیب از کنارت رد می شوند. سعی در گوش دادن مکالماتی که بین مردم رد و بدل می شود دارند. در مقابل؛ تعداد مردم در پیاده روها بسیار زیاد است و همه منتظر! تصمیم می گیرم بروم ونک، سوار ماشین می شوم به طرف ونک، نزدیک چهار راه تخت طاووس باز نیروهای انتظامی سنگر گرفته اند. ماشین وانت لند کروز که پرچم بلندی روی آن قرار دارد، برایشان آب و نان می آورد. بعد از عباس آباد - ولیعصر متوجه می شوم که سمت چپ خیابان یک طرفه شده است. از راننده می پرسم: چرا خیابان یک طرفه است؟ خانم بغل دستی قبل از راننده جواب می دهد: دو سه روزه که از عباس آباد به تجریش یک طرفه شده است. به مرور که به ونک نزدیک می شویم متوجه بعضی تابلوهای راهنمایی رانندگی می شوم که بر روی آن نوشته شده از ۲۳ مرداد برای راحتی شما شهروندان عزیز! خیابان ولیعصر از جنوب به شمال یک طرفه است.

... ورودی میدان ونک پیاده می شوم. به نظر می آید که قرار است در این میدان حتما اعتراضاتی برگزار شود. اما فکر می کنم نیروهای سرکوبگر رژیم زودتر از مردم مطلع شده اند چون حضور بسیار پررنگی دارند. شاید هم لباس های رنگارنگ و ماشین های مختلفشان باعث شده که تعدادشان خیلی به نظر بیاید. اما جدا از این مسائل، بیشتر تاکتیک های شهری رژیم برای مقابله با اعتراضات مردم نظرم را جلب می کند؛ از جمله همین یک طرفه کردن خیابانها (در اعتراضات این دو ماه اخیر این خیابان جزء مناطق مهم درگیری ها بود). از میدان ونک به سمت بالا که حرکت می کنم باز این مسئله به وضوح بیشتری به چشم می خورد - اولین مسئله، تردد ماشین های پلیس و یا تمام ماشین های دولتی از جمله ماشینهای شهرداری. اینها حالا می توانند بدون مشکل ترافیک از شمال تا جنوب در رفت و آمد باشند. دومین مسئله: قطعاً اگر اعتراضات در این مناطق شروع بشود موتورهای گشت و گارد ویژه و لباس شخصی ها با خیال راحت و سرعت بالایی می توانند جابجا شوند. سومین مسئله: تا به حال در زمان اعتراضات زمانی که ترافیک می شد ماشین ها با صدای بوق به بهانه ترافیک مردم را همراهی می کردند و نیروهای سرکوبگر را به ستوه می آوردند. در واقع این طرح ادامه همان طرح هایی است که در آن جریان افشای نوار صوتی سران مزدور اطلاعات نیروی انتظامی به بیرون درز کرد: طرح هایی مانند شناسایی و شکار مبارزان در جریان تظاهرات، و نیز هجوم شبانه به منازل.

نشریه دانشجویی بذر

شهریور ۱۳۸۸